

تفسیر احمد

سورہء القدر



Ketabton.com

۱۳۹۴

ترجمہ و تفسیر سورہ القدر
تتبع و نگارش: الحاج امین الدین « سعیدی - سعید افغانی »
مہتمم و دیزاین: الحاج سلیم عابد « پیمان »

سوره القدر

سوره القدر

سوره قدر در « مکه » نازل شده و دارای 5 آیه است

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

إِنَّا أَنْزَلْنَاهُ فِي لَيْلَةِ الْقَدْرِ ﴿١﴾ وَمَا أَدْرَاكَ مَا لَيْلَةُ الْقَدْرِ ﴿٢﴾ لَيْلَةُ الْقَدْرِ خَيْرٌ مِنْ أَلْفِ شَهْرٍ ﴿٣﴾ تَنْزِيلُ الْمَلَائِكَةِ وَالرُّوحِ فِيهَا بِإِذْنِ رَبِّهِمْ مِنْ كُلِّ أَمْرٍ ﴿٤﴾ سَلَامٌ هِيَ حَتَّى مَطْلَعِ الْفَجْرِ ﴿٥﴾

ترجمه موجز:

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

به نام الله بخشنده مهربان

«إِنَّا أَنْزَلْنَاهُ فِي لَيْلَةِ الْقَدْرِ» (1) همانا ما آن (= قرآن) را در شب قدر نازل کردیم،

«وَمَا أَدْرَاكَ مَا لَيْلَةُ الْقَدْرِ» (2) و تو چه فهمیدی که چیست شب قدر،

«لَيْلَةُ الْقَدْرِ خَيْرٌ مِنْ أَلْفِ شَهْرٍ» (3) شب قدر بهتر است از هزار ماه،

«تَنْزِيلُ الْمَلَائِكَةِ وَالرُّوحِ فِيهَا بِإِذْنِ رَبِّهِمْ مِنْ كُلِّ أَمْرٍ» (4) فرود می آیند فرشتگان و

روح (= جبرئیل) در آن (شب) به دستور پروردگارشان برای (انجام) هر کاری نازل می شوند .

«سَلَامٌ هِيَ حَتَّى مَطْلَعِ الْفَجْرِ» (5) امان است، آن شب تا طلوع صبح است.

معلومات موجز :

نام این سوره «القدر» است ، که از اولین آیه این سوره گرفته شده است. سوره قدر مکی بوده و دارای (1) رکوع ، (5) پنج آیت، (31) سی و یک کلمه، (115) یکصد و پانزده حرف و (49) چهل و نه نقطه است.

موضوع اصلی بحث درین سوره همان بیان عظمت قرآن عظیم الشان است، جلال و عظمت قرآن کریم به پیمانہ ایست که شب نزول آنرا « شب قدر » مسمی نموده اند. شب ارزش، نه شب با ارزش، شبیکه خود ارزش است و معیاری برای ارزش ها، بهتر از هزار شب، بهتر از عمر یک انسان، شب سرنوشت ساز، سرنوشت و مقدرات ملت ها را این شب رقم می زند. هرکی پاس این شب را داشت و به نعمت عظیم الهی که در این شب شامل حالش شده وقعی گذاشت و برداشت و نگهداشت و شکرش را بجای آورد ، به عزت و عظمت رسید. هرکی به عظمت این «شب قدر» اعتنا نکرد، نعمتی را که این شب قدر ظرف آن بود، نشناخت و وقعی به آن نگذاشت و پاسش را نداشت، ذلیل و به عذاب الهی مواجه میگردد.

فضیلت سوره قدر:

محتوای و فضیلت سوره قدر طوریکه از نام این سوره معلوم و هویدا است در قدم نخست

سوره القدر

به بیان نزول قرآن عظیم الشان در شب قدر می پردازد، و سپس در بیان اهمیت شب قدر و برکات و آثار آن توضیحات را ارائه می‌دارد. نزول قرآن عظیم الشان، در شب قدر همان شبی که مقدرات و سرنوشت انسانها در تمام سال در آن شب تعیین می‌شود دلیل دیگری بر سرنوشت ساز بودن این کتاب بزرگ آسمانی است.

فضیلت شب قدر:

«شب قدر» شبی است که در آن قرآن بر پیامبر عظیم الشان اسلام نازل شده است و فضیلت عبادت در این شب از تمام شبها بیشتر است. در این شب مقدرات یک سال انسان معین می‌گردد. از با فضیلت ترین اعمال در چنین شبی «احیاء» می‌باشد که به معنای پاس داشتن یک شب تا صبح است. پس جا دارد که در چنین شبی انسان از اعمال زشت خود استغفار نماید چرا که شب توبه است و خداوند در آن بندگان را مورد اکرام خاص خود قرار می‌دهد. لسان الغیب سروده است.

پیام های این سوره:

- شب قدر، شب سلامت فکر و روح انسان و تعالی به سوی خداوند سلام است. «سلام هی حتی مطلع الفجر»
- شب قدر، شب رحمت است و میتوان با توبه، الطاف پروردگار را به خود جلب کرد. «سلام هی حتی مطلع الفجر»
- تقدیر امور از سوی الله متعال، بر اساس سعادت بشر است، مگر آنکه او خود جز این بخواهد. «سلام هی حتی مطلع الفجر».

تفسیر سوره قدر:

« إِنَّا أَنْزَلْنَاهُ فِي لَيْلَةِ الْقَدْرِ » ما قرآن را در شب ذی قیمت و با ارزش « لیلۃ القدر » فرو فرستاده‌ایم.

« أَنْزَلْنَاهُ »:

ضمیر (هُ) در « أَنْزَلْنَاهُ » به فهم اکثریت از مفسران به قرآن بر می‌گردد. و اشاره به آغاز نزول قرآن است. ذکر ضمیر به جای اسم ظاهر، به خاطر شهرت و جلالت فوق‌العاده قرآن، و جایگزین بودن آن در همه اذهان است. خداوند، امور عالم را از طریق فرشتگان و با واسطه آنان به انجام می‌رساند. لذا در بسیاری از آیات قرآن، فعل‌ها و ضمیرهای مربوط به خداوند به صورت جمع آمده است. چنانکه در آغاز این سوره می‌فرماید: « إِنَّا أَنْزَلْنَاهُ » ما قرآن را نازل کردیم. بر اساس نظر تعداد کثیری از مفسران، قرآن عظیم الشان دو بار نازل شده است. یکبار به صورت یکپارچه در شب قدر که این سوره به آن اشاره دارد و بار دیگر به صورت تدریجی در مدت بیست و سه سال دوره رسالت پیامبر. تعبیرات قرآن نیز درباره نزول این کتاب آسمانی دو گونه است. برخی با کلمه «انزلنا» از ریشه انزال به معنای نزول دفعی آمده و برخی دیگر با کلمه «نزلنا» از ریشه تنزیل به معنای نزول تدریجی آمده است.

سوره القدر

مفسر تفسیر «جلوه های از اسرار قرآن» مینویسد: «انزال و پائین آوردن قرآن هم به معنی فرستادن این پیام الهی از بالا به پائین است و هم پائین آوردن مستوای بلند کلام الهی به سطح فهم و درک انسان یعنی پروردگار با عظمت ما مستوای کلام خود را به حدی پائین آورده که برای «انسان روی زمین» قابل فهم شود.»

«لَيْلَةُ الْقَدْرِ»: شب بزرگوار و ارزشمند، شب ارزشیابی و تعیین سرنوشت، این شب بزرگوار و ارزشمند است، چون قرآن کریم در آن نازل شده است و سراسر نور، رحمت، خیر، برکت، سلامت و سعادت از هر جهت است.

«وَمَا أَدْرَاكَ مَا لَيْلَةُ الْقَدْرِ» و چه چیزی آگاهی کرد که چیست شب قدر؟ یعنی تو چه می‌دانی که شب قدر کدام است؟ (و چه اندازه عظیم است؟)

«مَا أَدْرَاكَ؟» تو چه می‌دانی؟ تعبیر «مَا أَدْرَاكَ؟» برای ما مفهوم این موضوع را می‌رساند و برای ما واضح می‌سازد که، زمان و عظمت دقیق این شب را حتی شخصی پیامبر صلی الله علیه و سلم هم نمی‌دانسته است، چه رسد به دیگران!

«لَيْلَةُ الْقَدْرِ خَيْرٌ مِنْ أَلْفِ شَهْرٍ»

شب «لَيْلَةُ الْقَدْرِ» از جمله شب‌های که از هزار ماه بهتر است.

«أَلْفِ شَهْرٍ»: هزار ماه. قابل تذکر است که مراد «أَلْفِ شَهْرٍ» تکثیر است نه تعیین و تحدید.

در اینکه لیلۃ القدر از هزار ماه بهتر قرار داده شده. بدیهی است که در آن هزار ماه هر سال یک شب، لیلۃ القدر می‌باشد، پس این محاسبه به چه صورتی می‌باشد. ائمه تفسیر فرموده اند که مراد از هزار ماه، آن ماههایی هستند که در آنها این شب نباشد، لذا ایرادی نمی‌آید. (کذا ذکره ابن کثیر عن مجاهد)

با توجه به اختلاف مطالع در ممالک و شهرهای مختلف، شب قدر مختلف می‌باشد و در آن هیچگونه اشکالی نیست، زیرا به اعتبار هر کجا که شب قدر بیاید در شب همانجا برکات لیلۃ القدر حاصل می‌شوند. والله سبحانه و تعالی اعلم.

یادداشت:

هر کسی که در شب قدر نماز عشا و صبح را به جماعت ادا کرد، او نیز ثواب آن شب را دریافت، و هر کس هر چه بیشتر عبادت کند به ثواب بیشتری نایل می‌گردد.

در صحیح مسلم به روایت حضرت عثمان آمده است که رسول الله صلی الله علیه و سلم فرمود: هر کسی که نماز عشا را با جماعت ادا کرد به ثواب قیام نیم شب نایل آمده است و اگر نماز صبح را با جماعت ادا نماید، پس ثواب عبادت شب بیداری همه شب را یافته است.

«تَنْزِلُ الْمَلَائِكَةُ وَالرُّوحُ فِيهَا بِإِذْنِ رَبِّهِمْ مِنْ كُلِّ أَمْرٍ»

فرشتگان و جبرئیل در آن شب با اذن پروردگارشان، پیایی (به کره زمین و به سوی پرستشگران الله (ج) و عبادت کنندگان شب زنده‌دار الله (ج)) می‌آیند برای هرگونه کاری (که بدان یزدان سبحان دستور داده باشد).

سوره القدر

« تَنْزَلُ » : پیاپی نازل گردید.

این فعل می‌تواند به معنی ماضی باشد (شیخ محمد عبده در تفسیر جزء عم) می‌فرماید: «الرُّوحُ»: جبرئیل . نزول فرشتگان و سردسته ایشان جبرئیل به کره زمین ، جهت دعای خیر و طلب آمرزش برای کسانی است که شب زنده‌داری می‌نمایند و به عبادت می‌پردازند و از پروردگار با عظمت طلب مرحمت و مغفرت می‌کنند.

« تَنْزَلُ الْمَلَكَةَ وَالرُّوحَ » مراد از روح، حضرت جبرئیل امین است. حضرت انس روایت نموده است که رسول الله صلی الله علیه وسلم فرمود: هرگاه شب قدر بیاید، جبرئیل با جمع بزرگی از فرشتگان به زمین فرود می‌آیند، و برای همه بندگان خدا از مرد و زن که به نماز یا ذکر الله مشغول باشند، دعای رحمت می‌کنند.

ابن کثیر در تفسیر « من کل امر » می‌نویسد : در اینجا حرف «من» به معنای «با» است. چنان که در «یَحْفَظُونَهُ مِنْ أَمْرِ اللَّهِ» (سوره رعد، 11) «مِنْ» به معنای «با» به کار رفته است، همچنان از لحاظ قواعد نحوی میتوانیم به صراحت بگویم که حروف جاره یکی به جای دیگر نیز استعمال میشود واضح است که من و با هر دو از حروف جاره است یعنی فرشتگان تمام وقایع پیش آینده تقدیر در سال را با خود همراه گرفته به زمین فرود می‌آیند. بعضی از مفسرین مانند مجاهد و غیره « من کل امر » را به «سلام» متعلق دانسته و آن را چنین معنی کرده اند که این شب از هر شر و آفت و چیزهای بد، سالم است. (تفسیر ابن کثیر)

« سَلَامٌ هِيَ حَتَّى مَطَلَعِ الْفَجْرِ »

آن شب ، شب سلامت و رحمت (و درود فرشتگان بر مؤمنان شب زنده‌دار) است تا طلوع صبح .

« سَلَامٌ » : سلام و درود.

مراد درود فرشتگان بر مؤمنان است که طلب آمرزش و رحمت برای ایشان است .
سلامت:

یعنی طاعت و عبادت در آن، موجب سلامت و در امن و امان ماندن مؤمنان از هر چیز است.

یا این که به معنی سالم، یعنی شبی است سالم و توأم با سلامت.

شیخ قرطبی در تفسیر خویش می‌نویسد : « سلام » در اصل عبارت «هی سلام» است. لفظ «هی» حذف شده است، یعنی این سلام و سلامتی است، و کاملاً خیر است، که نامی از شر در آن نیست. (قرطبی) و برخی دیگری از مفسرین گفته اند که تقدیر عبارت «سلام هو» است، و آن را صفت

« کل امر » قرار داده اند، و معنایش اینکه این فرشتگان هر آن امری را برداشته می‌آیند که خیر و سلام باشد. (مظهری)

«هی حتی مطلع الفجر» یعنی این برکات لیلۃ القدر مختص قسمتی از شب نیست، بلکه از آغاز شب گرفته تا طلوع فجر ادامه خواهد داشت.

« مَطَلَعِ » : طلوع . دمیدن . وقت طلوع . هنگام دمیدن. مصدر میمی یا اسم زمان است.

سوره القدر

یادآوری : شب قدر در مناطق مختلف ، یکی است . چرا که شب همان سایه نیم کره زمین است که بر نیم کره دیگر می افتد، و این سایه همراه گردش زمین در حرکت است. يك دوره کامل آن در بیست و چهار ساعت انجام می پذیرد. این مدّت که تاریکی تمام نقاط زمین را به تدریج فرا می گیرد ، شب کامل کره زمین و شب قدر آن است که با اختلاف چند ساعت زودتر و دیرتر، مهمان مردمان گوشه و کنار سراسر زمین می شود.

شان نزول:

ابن ابی حاتم از مجاهد مرسلأ روایت نموده است که رسول الله صلی الله علیه وسلم وضعیت جهادگری از قوم بنی اسرائیل را ذکر فرمود که او تا هزار ماه پشت سر هم در جهاد مشغول ماند که هیچ گاه شمشیر های خویش را به زمین نمی گذاشت، مسلمانان با شنیدن آن در شگفت قرار گرفتند، بر این، سوره «قدر» نازل گردید، و در این، عبادت یک شب این امت را بالاتر از عبادت تمام عمر آن مجاهدین قوم بنی اسرائیل یعنی هزار ماه قرار داد.

ابن جریر به روایت مجاهد واقعه دیگری ذکر نموده است که عابدی در قوم بنی اسرائیل بود که همه شب در عبادت مشغول بود، و به هنگام صبح به جهاد بیرون می رفت و به جهاد مشغول می شد، و بدین شکل او هزار ماه در عبادت به سر برد، بر این، خداوند متعال سوره «قدر» را نازل فرمود، از این، نیز معلوم می گردد که شب قدر از خصوصیات امت محمدی است. (مظهری)

ابن کثیر این را قول امام مالک دانسته است و بعضی از شوافع آن را قول جمهور قرار داده اند، خطابی بر این، ادعای اجماع را دارد، اما بعضی محدثین در این باره اختلاف نظر دارند. (برای تفصیل مراجعه شود به تفسیر ابن کثیر).

شب قدر و نزول قرآن کریم:

الف: نزول قرآن کریم :

یکی از خصوصیات و امتیازات شب قدر این است که قرآن عظیم الشان، کتاب هدایت و راهنمای بشر و معجزه جاوید پیامبر بزرگوار اسلام محمد مصطفی صلی الله علیه وسلم در این شب نازل شده است. که سه آیه از قرآن عظیم الشان این مطلب را مورد تایید قرار داده است :

اول:

سوره « قدر » که می فرماید : «انا انزلناه فی لیله القدر»،

دوم :

آیه صد و هشتاد و پنج سوره «بقره»: «شهر رمضان الذی انزل فیہ القرآن».

وسوم:

(آیات 3 و 4 سوره دخان) که میفرماید : « **إنا أنزلناه فی لیلة مبارکة إنا كنا منذرین فیها یفرق کل امر حکیم** » (سوره دخان آیات ۳ و ۴) (ما قرآن را در شبی مبارک نازل نموده ایم زیرا همواره هشدار دهنده و اندازه کننده بوده ایم . در آن شب مبارک هر امری طبق حکمت خداوند تنظیم می شود.)

سوره القدر

مبارک یعنی چه؟

کلمه «مبارک» در آیه متبرکه آمده است، از ماده برکت گرفته شده است. یعنی این شب، شبی است پر از رحمت، شبی است بسیار مفید و سودمند، که در آن فراخی و زیادی نعمت و روزی وجود میداشته باشد.

هكذا پروردگار با عظمت ما میفرماید: «انا انزلناه في ليلة القدر وما ادراك ما ليلة القدر ليلة القدر خير من الف شهر» (به تحقیق ما فرود آوردیم قرآن را در شب قدر و چه چیز مطلع ساخت ترا که چیست شب قدر، شب قدر بهتر است از هزار ماه (خداوند پاک میفرماید: «شهر رمضان الذي انزل فيه القرآن» (ماه رمضان ماه است که در آن قرآن فرود آورده شده است. (سوره بقره آیه ۱۸۵) و در سوره قدر میخوانیم: «انا انزلناه في ليلة القدر» (ما آن را در شب قدر نازل کردیم) بناً حکم مطلق همین است که شب قدر در ماه مبارک رمضان است. بناً حکم مطلق اکثریت از مفسرین همین است که شب قدر در ماه مبارک رمضان است. شبی است که در آن قرآن عظیم الشان که مبدا تمام خیرات و برکات و سرچشمه تمام نیکی ها و خوبی ها است، نزول یافته است. شب قدر، شبی است، که مقدرات جهان بشریت با نزول قرآن در آن استحکام می پذیرد و مشخص می گردد.

مفسرین اسلام نزول قرآن را بر دو قسم تقسیم مینمایند:

1- نزول دفعی و کلی

2- نزول تدریجی

نزول دفعی یعنی قرآن عظیم الشان بطور کامل در شب قدر بر قلب رسول اکرم صلی علیه وسلم نازل گردیده است و نزول تدریجی عبارت از نزولی است که: قرآن در مدت بیست و سه سال به تدریج و به مناسبت ها و طبق رویداد ها بر پیامبر اسلام محمد صلی الله علیه وسلم نزول یافته است.

خواننده محترم!

تعدادی از مفسرین در تفسیر آیت: «انا انزلناه في ليلة القدر» می نویسند: مراد از «انزاله» «ما قرآن را فر فرستادیم» نه این نیست که در همین شب قدر جمعاً از عرش به آسمان دنیا فرستاده شده، و نه اینکه قرآن در شب نخستین نزول «جمعاً» بر دل پیامبر صلی الله علیه وسلم نازل شده، این دو توجیه بی اساس و مغایر آیات صریح قرآن است که بر نزول تدریجی قرآن بر پیامبر صلی الله علیه وسلم تاکید دارد. تفسیر این آیه را در خود قرآن باید جستجو کرد و هر رای که با شرح قرآن تصادم کند باید آنرا کنار بگذاریم و به آن ننمائیم.

قرآن عظیم الشان در این مورد صریحاً می فرماید: «وَقُرْآنًا فَرَقْنَاهُ لِتَقْرَأَهُ عَلَى النَّاسِ عَلَى مُكْتَبٍ وَنَزَّلْنَاهُ تَنْزِيلًا» (سوره الاسراء 106) (و قرآن را جزء جزء کردیم تا آنرا با درنگ بر مردم بخوانی و با اینگونه نزولی آن فرو فرستادیم) همچنان می فرماید: «وَقَالَ الَّذِينَ كَفَرُوا لَوْلَا نُزِّلَ عَلَيْهِ الْقُرْآنُ جُمْلَةً وَاحِدَةً كَذَلِكَ لِنُثَبِّتَ بِهِ

سوره القدر

فُوَادَكَ طَوَّرْتَنَاهُ تَرْتِيلاً» (سوره فرقان: 32) (و کافران گفتند: چرا قرآن همه یکباره بر او نازل نشده؟ چنین کردیم تا دلت را با آن استوار سازیم و آنرا آرام و شیوا بر خوانیم) این آیات بوضوح نشان می دهند که «نزول» قرآن تدریجی جز وار، و توأم با وقفه بوده و بر رای کسانیکه که معتقد به «نزول» یکباره قرآن اند خط بطلان می کشد. «انزلنا» در قرآن برای «نزول» باران بطور مکرر استعمال شده که بارش تدریجی و وقفه نئی باران را افاده می کند نه نزول یکباره همه آب آسمان، یکجا و در یک وقت.

معنای قدر:

مفسرین «قدر» را به معنای اندازه کردن، معین نمودن و فیصله کردن ترجمه و تفسیر نموده اند، یعنی لیلۃ القدر عبارت از شبی است که خداوند متعال در آن هر چیزی را صحیحاً اندازه می نماید. و وقت آنرا تعیین می کند و احکام را نازل می فرماید و تقدیر هر چیزی را مقرر می نماید.

«فیهما یفرق کل امر حکیم. امرأ من عند الله...» «فیصله کرده میشود هر کار استوار آن، فرود آوردیم آنرا به وحی کردن از نزد خویش.» (الدخان آیات ۴ و ۵).

تعیین شب قدر:

از تصریحات قرآن این امر تا این حد ثابت است که شب قدر در ماه مبارک رمضان می باشد، اما در تعیین تاریخ آن، اختلاف است. چهل قول در این باره است، اما در تفسیر «مظهری» آمده است که از همه این اقوال، صحیح این است که لیلۃ القدر در دهه آخر رمضان است، ولی تاریخ خاصی در این دهه آخر مشخص نیست، بلکه امکان دارد در یکی از این شبها باشد، و نیز آن در هر ماه رمضان تغییر می خورد، و از روی احادیث صحیح احتمال بیشتر این است که در شبهای طاق (21، 23، 25، 27، 29) بیاید، و در تمام احادیث که در ارتباط با تعیین شب قدر آمده اند، که در آنها شبهای طاق، (21، 23، 25، 27، 29) ذکر شده است جمع می گردند، اگر شب قدر در این شبها دایر و در هر رمضان تغییر کند، پس همه روایات حدیث به جای خود درست و ثابت می باشند، در هیچ یکی نیازی به تاویل نمی ماند، بنابراین، بیشتر ائمه فقها فرموده اند که شب قدر در دهه آخر رمضان تغییر می یابد.

ابوقلا، امام مالک، احمد بن حنبل، سفیان ثوری، اسحق بن راهویه، ابو ثور، مزنی، ابن خزیمه و غیره همه هم چنین فرموده اند، و روایتی از امام شافعی نیز موافق با این منقول است. روایتی دیگر از امام شافعی چنین آمده است که این شب غیر قابل تغییر است، بلکه متعین است. (تفسیر ابن کثیر)

روایتی از حضرت عایشه صدیقه رضی الله عنها در صحیح بخاری آمده است که رسول الله صلی الله علیه وسلم فرمود: «تحرروا لیلۃ القدر فی العشر الاواخر من رمضان» یعنی شب قدر را در دهه آخر رمضان جستجو کنید، و در صحیح مسلم به روایت حضرت ابن عمر آمده است که رسول خدا صلی الله علیه وسلم فرمود: «فاطلبوها فی الوتر منها» یعنی شب قدر را در شبهای طاق دهه آخر رمضان تلاش کنید. (تفسیر مظهری) در مورد اینکه شب القدر در کدام یکی از شب های رمضان میباشد، آیا این شب واقعاً در

سوره القدر

ده اخير رمضان وآنهم در روزهای طاق ویا هم روز های جفت قرار دارد بحثی است که به احادیثی نبوی باید مراجعه کرد.

وبعضی از علمای متأخرین ذکر نموده است که لیلۃ القدر در شب 27 ماه رمضان است: نظربه این دلیل که کلمات لیلۃ القدر در تمام قرآن کریم سه بار ذکر گردیده است و هر سه کلمه آن در سوره قدر میباشد و کلمه لیلۃ القدر جمعاً 9 حرف است که به این حساب $9 \times 3 = 27$ میشود.

ولی قبل از همه باید گفت که لیلۃ قدر از جمله شبهای با فضیلتی است که بر همه شبهای سال فضیلت و برتری خاصی خود را دارد بخاطر اینکه این شب قرآن و نزول قرآن میباشد پیامبر صلی الله علیه وسلم درباره فضیلت این شب می فرماید: «مَنْ يَقُمُ لَيْلَةَ الْقَدْرِ إِيمَانًا وَاحْتِسَابًا غُفِرَ لَهُ مَا تَقَدَّمَ مِنْ ذَنْبِهِ». (بخاری: 35) «هر کس، شب قدر را بقصد ثواب، زنده نگاه دارد، (یعنی آن شب را در عبادت و بندگی بسر برد)، همه گناهان گذشته اش، مورد عفو قرار خواهند گرفت».

علما به دلیل وجود احادیث مختلف، در مورد تعیین شب قدر آرای متفاوتی دارند، اما بدون شک این شب در ده شب آخر رمضان و از روزهای فرد می باشد.

از عباده بن صامت رضی الله عنه روایت است که: «أَنَّ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ خَرَجَ يُخْبِرُ بِلَيْلَةِ الْقَدْرِ، فَتَلَاخَى رَجُلَانِ مِنَ الْمُسْلِمِينَ فَقَالَ: «إِنِّي خَرَجْتُ لِأُخْبِرَكُمْ بِلَيْلَةِ الْقَدْرِ، وَإِنَّهُ تَلَاخَى فُلَانٌ وَفُلَانٌ، فَرُفِعَتْ، وَعَسَى أَنْ يَكُونَ خَيْرًا لَكُمْ، أَلْتَمِسُوهَا فِي السَّبْعِ وَالْتِسْعِ وَالْخَمْسِ». (بخاری: 49) روزی، رسول الله صلی الله علیه وسلم تشریف آورد که شب قدر را برای ما مشخص نماید. در این اثنا، دو تن از مسلمانان سرگرم نماز عه بایکدیگر بودند. آنحضرت صلی الله علیه وسلم فرمود: «بیرون آمدم تا شما را از شب قدر با خبر سازم. با دیدن دعوی این دو نفر، مطلب را فراموش کردم. شاید این برای شما بهتر باشد. با وجود این، شب قدر را در هفتم، نهم و پنجم جستجو کنید». (البته اینجا منظور در دهه پایانی رمضان است)

عبد الله بن عمر رضی الله عنهما روایت میکند که: «أَنَّ رَجُلًا مِنْ أَصْحَابِ النَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ أُرُوا لَيْلَةَ الْقَدْرِ فِي الْمَنَامِ فِي السَّبْعِ الْأَوَّخِرِ فَقَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ: «أَرَى رُؤْيَاكُمْ قَدْ تَوَاطَأَتْ فِي السَّبْعِ الْأَوَّخِرِ فَمَنْ كَانَ مُتَحَرِّبًا فَلْيَتَحَرَّهَا فِي السَّبْعِ الْأَوَّخِرِ». (بخاری: 2015)

چند تن از اصحاب پیامبر صلی الله علیه وسلم خواب دیدند که شب قدر، در هفت شب آخر رمضان است. رسول الله صلی الله علیه وسلم فرمود: «می بینم که خوابهای شما در باب اینکه شب قدر در هفت شب آخر رمضان می باشد، موافق یکدیگر است. پس کسی که در صدد یافتن شب قدر می باشد، آنرا در هفت شب آخر رمضان، جستجو نماید».

ابوسعید خدری رضی الله عنه میگوید: «اعْتَكَفْنَا مَعَ النَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ الْعَشْرَ الْأَوْسَطَ مِنْ رَمَضَانَ فَخَرَجَ صَبِيحَةَ عَشْرِينَ فَخَطَبَنَا وَقَالَ: «إِنِّي أُرَيْتُ لَيْلَةَ الْقَدْرِ تَمَّ أَنْسِيئُهَا أَوْ نُسِيئُهَا فَالْتَمِسُوهَا فِي الْعَشْرِ الْأَوَّخِرِ فِي الْوَتْرِ...» (بخاری: 2016)

در دهه دوم رمضان با رسول الله صلی الله علیه وسلم به اعتکاف نشستیم. آنحضرت صلی

سوره القدر

الله علیه وسلم صبح روز بیستم، بیرون آمد و به ایراد سخن پرداخت و فرمود: «شب قدر، در خواب برایم مشخص شد. ولی من آنرا فراموش کردم و یا آنرا از یادم بردند. پس آنرا در شبهای فرد دهه آخر، جستجو نمایید.

عبد الله بن عباس رضی الله عنهما روایت میکند که: **أَنَّ النَّبِيَّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ قَالَ: «الْتَمِسُوهَا فِي الْعَشْرِ الْأَوَاخِرِ مِنْ رَمَضَانَ لَيْلَةَ الْقَدْرِ فِي تَاسِعَةٍ تَبْقَى فِي سَابِعَةٍ تَبْقَى فِي خَامِسَةٍ تَبْقَى».** (بخاری 2021) رسول الله صلی الله علیه وسلم فرمود: «شب قدر را در دهه آخر رمضان، یعنی در نه یا هفت یا پنج روز باقیمانده آن، جستجو کنید».

عبد الله بن عباس رضی الله عنهما در روایتی دیگر، می گوید: **قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ: «هِيَ فِي الْعَشْرِ الْأَوَاخِرِ هِيَ فِي تِسْعٍ يَمْضِينَ أَوْ فِي سَبْعٍ يَبْقَيْنَ يَعْنِي لَيْلَةَ الْقَدْرِ».** (بخاری: 2022) رسول الله صلی الله علیه وسلم فرمود: «شب قدر در دهه آخر رمضان است، در نه شب و یا در هفت شب آخر آن، می باشد».

بنابراین احادیث وارده در تعیین شب قدر، مختلف می باشد و شاید حکمت نامعلوم بودن آن شب این باشد که مومنان برای بدست آوردن ثواب و اجر عبادت در این شب حریص باشند و در ده شب آخر رمضان تلاش بیشتری را برای رسیدن به این ثواب انجام دهند؛ اما آنچه که اکثر علما برآند، این است که شب قدر، شب بیست و هفتم رمضان هر سال می باشد و الله اعلم.

سعی و تلاش برای دستیابی شب قدر:

در حدیثی پیامبر صلی الله علیه وسلم آمده است: **«من قام ليلة القدر إيماناً واحتساباً غفر له ما تقدم من ذنبه»** (کسی که شب قدر را با ایمان و احتساب اجر بر پای دارد گناهان پیشین او آمرزیده می شوند)

سیرت نویسان مینویسند که شخصی پیامبر صلی الله علیه وسلم سعی و تلاشی را برای دستیابی شب قدر بخرچ میداد، واصحاب کرام را نیز در سعی تشویق و ترغیب مینمود. از فهم احادیثی منقول بر می آید که پیامبر صلی الله علیه وسلم برای دستیابی شب قدر در دهه آخر شهر رمضان نه تنها خودش تلاش بیشتری در نماز خواندن و قرئت قرآن و دعا خواندن می کردند که در دیگر روزهای سال چنین تلاشی نداشتند، بلکه خانواده خویش را بیدار می نمود، به امید اینکه شب قدر را دریابند.

چنانکه عایشه رضی الله عنها روایت کرده که پیامبر صلی الله علیه وسلم: **«كان إذا دخل العشر الأواخر أحيا الليل وأيقظ أهله وشد المنزر»** (بخاری: 2024). یعنی: هنگامیکه دهه آخر رمضان، فرا می رسید، رسول الله صلی الله علیه وسلم کمرش را محکم می بست (از همسران، دوری می گزید) و شب خود را با عبادت، زنده نگه می داشت و خانواده اش را نیز بیدار می کرد.

در مسند از عباد بصورت مرفوع روایت شده است: **«کسی که در جهت یافتن شب قدر، شب را بر پای دارد و موفق به درک آن شود گناهان پیشین و آینده وی آمرزیده خواهد شد».**

و در مورد بعضی از گذشتگان از صحابه و تابعین وارد شده است که در دهه اخیر غسل

سوره القدر

می کردند و خوش بویی استعمال می نمودند به امید این که با بهترین وجه بر شب قدر دستیابی نمایند.

بنابر مسلمانان روزه دار است تا پیروی از سیرت پیامبر صلی الله علیه وسلم و سیرت صحابه تلاش خویش برای حصول این شب مقدس بخصوص در ده اخیر رمضان بخرچ دهیم ، یقیناً این شب در دهه آخر ماه مبارک رمضان و آنهم در شب های طاق می باشد، و بیش تر امید می رود که شب بیست و هفتم باشد. به دلیل حدیثی که مسلم از ابی بن کعب روایت می کند که فرمودند: «به خدا قسم من می دانم که آن شب چه شبی است و همانا شبی است که پیامبر ما را امر نمود آنشب را بر پا داریم و آن شب، شب بیست و هفتم می باشد» و ابی بر آن سوگند یاد می کرد و می فرمود: «با دلایل و نشانه هایی که پیامبرمان ما را از آن مطلع ساخته است آفتاب در حالی در صبح آن روز طلوع می کند که هیچ شعاعی ندارد».

حضرت بی بی عائشه می فرماید: به حضور رسول الله صلی اله علیه وسلم عرض کردم: ای رسول الله! اگر شب قدر را دریافتم چه بگویم؟ پیامبر فرمود بگو: «اللهم إنك عفو كريم تحب العفو فاعف عني» «خداوند ا! تو بسیار عفو کننده و بسیار صاحب کرمی ، عفو نمودن را می پسندی ، پس خطا های مرا عفو کن» (رواه احمد و ترمذی و صححه الألبانی)

ای خواجه چه جوی از شب قدر نشانی

هر شب، شب قدر است اگر قدر بدانی «سعدی شیرازی»

چرا شب قدر مشخص نشده است؟

علماء و مفسرین مینویسند که دسترسی به هر امر ارزشمند و ذیقیمت سعی و تلاش و به اصطلاح سرمایه گذاری خود را دارد و معروف است ، هر چه چیزی که دارای ارزش و قیمت بیشتر باشد قیمت آن هم بیشتر می باشد .

گفتیم ارزش عبادت در شب قدر بیشتر از هزار ماه است ، چیزی واضح است که دیدن و حصول به این شب کار آسان و به این سادگی هم ممکن و میسر نیست ، اگر قرار باشد که با این سادگی انسان به این شب دسترسی پیدا کند، نصیب همه انسانها میشود، دسترسی به این جد و جهد و عبادت و زحمات بسیار میخواهد .

طوری که مفسرین مینویسند که علت پنهان بودن این شب در شبهای ماه مبارک رمضان و عدم وضوح شب قدر برای گستردگی و افزایش عبادت بندگان و انس بیشتر آنان با پروردگار با عظمت است. از پروردگار با عظمت میخواهیم که حصول این شب را نصیب ما سازد.

تکرار شب قدر در هر سال:

قبل از همه باید گفت که : شب قدر اساساً در همان سال اول نزول قرآن بوده است ولی از فحوای آیه متبرکه « تنزل الملائکه و الروح » که با فعل مضارع است ، تکرار و استمرار این شب مقدس را میرساند ، این بدین معنی است که شب قدر منحصر به همان شب اول سال نزول قرآن نبوده ، بلکه این شب مقدس در هر سال در ماه مبارک رمضان تکرار و»

سوره القدر

فرشتگان و روح» در آن نازل میگردد.

پس در هر سال قمری، در ماه رمضان مبارک رمضان شب قدری هست با این تفاوت که در آن شب دیگر قرآن نازل نمی شود بلکه تنها فرشته و روح فرود می آیند، و رحمت الهی را بر بشر فرود می آورند ولی چگونگی آن به درستی و روشنی معلوم نیست.

عبادت شب قدر بهتر از هزار ماه است!

بعضی از ایام سال هستند که در نزد الله ارزش، جایگاه والا و مقام خاصی خود را دارند، که شاخص ترین آنها شب قدر است. شبی که به اندازه یک عمر ارزش دارد. شبی که قرآن عظیم الشان در توصیف آن می فرماید: «**لَيْلَةُ الْقَدْرِ خَيْرٌ أَلْفِ شَهْرٍ**» (شب قدر از هزار ماه برتر است).

قرآن عظیم الشان در (سوره قدر) میفرماید «**إِنَّا أَنْزَلْنَاهُ فِي لَيْلَةِ الْقَدْرِ وَمَا أَدْرَاكَ مَا لَيْلَةُ الْقَدْرِ لَيْلَةُ الْقَدْرِ خَيْرٌ مِنْ أَلْفِ شَهْرٍ**» (به تحقیق ما فرود آوردیم قرآن را در شب قدر و چه چیز مطلع ساخت ترا که چیست شب قدر، شب قدر بهتر است از هزار ماه) (خداوند پاک میفرماید: «**شَهْرُ رَمَضَانَ الَّذِي أُنزِلَ فِيهِ الْقُرْآنُ**» (ماه رمضان ماه است که در آن قرآن فرود آورده شده است). (سوره بقره آیه ۱۸۵)) و باز هم در سوره قدر میخوانیم: «**إِنَّا أَنْزَلْنَاهُ فِي لَيْلَةِ الْقَدْرِ**» (ما آن را در شب قدر نازل کردیم)

بنابراین مطابق حکم مطلق قرآنی همین است که شب قدر در ماه مبارک رمضان است. حالا برای تعدادی از مسلمانان این سوال پیدا میشود که امت های پیامبران قبلی عمر زیادی داشتند، و شاید عبادت آنان نسبت به عبادت ما بیشتر بوده باشد، مثلاً عمر پیروان نوح علیه السلام بیش از هزار سال بود، ولی عمر ما شاید از شصت و هفتاد سال تجاوز نخواهد کرد، بنا بر قدر که عبادت کنیم عبادت ما به اندازه آنان نخواهد رسید. ولی اینطور نیست، الله جلاله بر اساس لطف و رحمت خویش بر امت مسلمان عبادت یک شب را به اندازه هزار ماه عبادت ارزانی فرموده است. و با زیبایی خاصی گفته است: «**لَيْلَةُ الْقَدْرِ خَيْرٌ مِنْ أَلْفِ شَهْرٍ**» شب قدر بهتر از عبادت 1000 ماه میباشد. هرگاه 1000 را تقسیم 12 ماه کنیم مساوی میشود به 83 سال و هرگاه شخصی در شصت سال عمر خود شبهای قدر را عبادت نماید، و 60 را ضرب 83 کنیم، مساوی میشود به 4980 این است فضیلت و عبادت در شب قدر.

فضیلت و برتری شب قدر:

این واضح است که مخلوقات خداوند منحیث خلقت در بین خود یکی بالای دیگر فضیلت و برتری را دارا اند. مثلاً این برتری و فضیلت در اماکن مسجد و غیر مسجد در مساجد باز هم خاص و عام مانند فضیلت مسجد الحرام بالای مساجد دیگر به همین ترتیب فضیلت زمان بالای همدیگر مانند فضیلت ماه رمضان بالای ماه های دیگر و یا فضیلت روز عرفات بالای روزهای دیگر و هکذا خلقت انسانی که بالای همدیگر فضیلت را دارد که عبارت از تقوی میباشد مانند خلقت رسول الله صلی الله علیه و سلم با خلقت انسان های دیگر بناً شب قدر بر همه شبهای سال فضیلت و برتری خاصی خود را دارد، یکی از برتری های این

سوره القدر

شب نزول قرآن عظیم الشان در این شب است.

« **إِنَّا أَنْزَلْنَاهُ فِي لَيْلَةِ الْقَدْرِ (1) وَمَا أَدْرَاكَ مَا لَيْلَةُ الْقَدْرِ (2) لَيْلَةُ الْقَدْرِ خَيْرٌ مِنْ أَلْفِ شَهْرٍ (3)**
تَنْزِيلُ الْمَلَائِكَةِ وَالرُّوحِ فِيهَا بِإِذْنِ رَبِّهِمْ مِنْ كُلِّ أَمْرٍ (4) سَلَامٌ هِيَ حَتَّى مَطْلَعِ الْفَجْرِ (5) »
 ویکبار دیگر در (آیه 3 سوره دخان) میفرماید : « **إِنَّا أَنْزَلْنَاهُ فِي لَيْلَةِ مُبَارَكَةٍ إِنَّا كُنَّا مُنذِرِينَ** » (ما قرآن را در شبی مبارک و گرامی نازل کردیم)
 پیامبر صلی الله علیه وسلم میفرماید : « من قام ليلة القدر إيماناً واحتساباً غفر له ما تقدم من ذنبه ». (رواه الجماعة إلا ابن ماجه)
 « کسی که در شب قدر بر اساس ایمان به خدا و امید اجر و پاداش از وی به نماز بایستد (و به عبادت مشغول شود) گناهان گذشته او بخشیده می شود ». «
 بزرگترین فضیلت این شب همین است که عبادت این یک شب، از عبادت هزار ماه، یعنی هشتاد و سه سال، بهتر است. باز برای بهتر بودن آن، حدی مقرر نیست، که چقدر بهتر است، آیا دو برابر، چهار برابر، ده برابر، صد برابر و غیره همه در این امکان دارند.
 در صحیحین از حضرت ابوهریره رضی الله عنه منقول است که رسول الله صلی الله علیه وسلم فرمود: هر کسی که در شب قدر برای عبادت برخاست، همه گناههای گذشته او عفو می گردد. از حضرت ابن عباس روایت است که نبی اکرم صلی الله علیه وسلم فرمود:
 تمام فرشتگان که در سدره المنتهی اسکان یافته اند، در شب قدر همراه با جبرئیل به دنیا فرود می آیند، و هیچ مرد و زن مومن نیست که آنها را سلام نکنند، غیر از کسی که او شراب بنوشد یا گوشت خوک بخورد.
 در حدیثی رسول الله صلی الله علیه وسلم فرمود: هر کسی که از خیر و برکت شب قدر محروم بماند، او کاملاً محروم و بدشانس است. اما نه این برای همه حاصل می گردد و نه در تحصیل ثواب و برکات شب قدر دخلی خواهند داشت، لذا نباید به فکر آنها بود.

خواننده محترم !

مطابق نصوص شرعی و جمع بندی آیات قرآن کریم چنین استفاده می شود که «شب قدر» یکی از شبهای ماه مبارک رمضان است بناً دساتیر شرعی به زنده داری این ده روز آخر سفارش نموده است.

زیرا از یک سو، قرآن می فرماید: «شهر رمضان الذی انزل فیہ القرآن» قرآن در ماه مبارک رمضان نازل شده است. و از سوی دیگر، آیه نخست سوره مبارکه قدر «إِنَّا أَنْزَلْنَاهُ فِي لَيْلَةِ الْقَدْرِ» بیانگر آنست که قرآن، در شب قدر نازل شده است. بنابراین از جمع این دو آیه شریفه، به روشنی دانسته می شود که شب قدر در ماه مبارک رمضان واقع شده است. اما اینکه کدام شب از شب های ماه مبارک رمضان است، به روشنی معلوم نیست. روایات که در این زمینه وجود دارند شب قدر را مردد بین این شبها دانسته اند: شب اول، شب هفدهم، شب نوزدهم، شب بیست و یکم، شب بیست و سوم، شب بیست و هفتم و شب بیست و نهم.

بعضی از روایات بر این مطلب تاکید دارند که شب قدر در دهه آخر ماه مبارک رمضان و یکی از شبهای بیست و یکم یا بیست و سوم است.

سوره القدر

بعضی از روایات تصریح نموده اند که شب قدر شب بیست و سوم ماه مبارک رمضان است.

از جمله در حدیثی که از حضرت بی بی عایشه رضی الله عنها روایت شده آمده است :
« كان إذا دخل العشر الأواخر أحياء الليل وأيقظ أهله وشد المنزر » (بخاری: 2024).
« هنگامی که ده روز آخر ماه رمضان فرا می رسد . رسول الله ص شب بیدار می ماند و خانواده اش را بیدار می کرد و سخت به عبادت مشغول می شد ».
همچنان در مسند امام احمد و صحیح مسلم آمده: «كان يجتهد في العشر الأواخر مالا يجتهد في غيرها». یعنی: در دهه آخر ماه رمضان تلاش بیشتری را (در عبادت) می کردند که در دیگر روزهای سال چنین تلاشی نداشتند.
از حضرت عایشه روایت شده است که می فرماید: به رسول الله ص گفتم: اگر دانستم کدام شب قدر است چه بگویم؟ پیامبر صلی الله علیه وسلم فرمودند: بگو: «اللهم انك عفو تحب العفو فاعف عني» «پروردگارا: بی شك تو بسیار آمرزنده ای و آمرزش را دوست می داری . پس مرا ببامرز ».

علامات و نشانه های بارزه این شب:

در مورد اینکه شب قدر دارایی چه علایم خصایص و نشانی ها میباشند ، علماء نظریات متعددی را با استناد به احادیثی نبوی ارایه داشته اند که برخی از این علایم ذیلاً اشاره مینمایم :

مفسرین مینویسند: یکی از جمله علامات بارزه شب لیلة القدر این است که آن شب شبی نسبتاً آرام است و شخص مؤمن دلش در این شب آرام می گیرد و رغبت اش برای انجام کار خیر بیشتر میگردد .

میگویند : «افتاب در صبحگاه شب قدر، ضعیف و سرخ رنگ ظاهر می شود».
طوریکه در حدیث ه روایت شده از حضرت جابر بن عبدالله رضی الله عنه آمده است: که رسول الله صلی الله علیه وسلم درباره شب قدر فرمودند: «من شب قدر را دیدم اما آن را فراموشم ساختند. شب قدر در شبهای دهه اخیر رمضان است و شبی است معتدل، نه گرم و نه سرد، روشن و سپید، گویی که در آن ماهی تمام می تابد. آن شب شیطان بیرون نمی آید تا آنکه صبحش روشن گردد».

روایت شده است که رسول الله صلی الله علیه وسلم از خانه بیرون شدند تا به مردم از شب قدر خبر دهند؛ در این اثنا دو مرد را که باهم در کشمکش بودند در برابر خود یافتند پس آن خبر را فراموش کردند.

حکمت در پنهان داشتن شب قدر مانند حکمت در پنهان داشتن وقت وفات و روز قیامت است تا مکلف به طاعات رغبت کرده و بر سخت کوشی و جد و جهد خود در این راه بیفزاید، غفلت و سستی نکند و بر شب مخصوصی تکیه ننماید.
ولی به هر حال برای مسلمانان بهتر این است که هر شب ماه مبارك را به احتمال این که شب قدر باشد ، به عبادت و قرائت قرآن و دعا بگذرانند و دعا خویش را منحصر به سه و یا چهار شب و یا هم شب های طاق نسازند.

سوره القدر

دعا های قرآنی در شب قدر:

از افضلترین دعاهایی که در شب قدر خوانده می شود، دعایی است که پیامبر صلی الله علیه وسلم به بی بی عایشه رضی الله عنها یاد دادند، چنانکه ترمذی از حضرت عایشه رضی الله عنها روایت کرده و حدیث را هم صحیح دانسته، که او گفت: گفتیم: ای رسول خدا! اگر شب قدر را دانستم در آن چه (دعایی) بگویم؟ فرمود: «قُولِي: اللَّهُمَّ إِنَّكَ عَفُوٌّ تُحِبُّ الْعَفْوَ فَاعْفُ عَنِّي». «بگو: خداوندا! تو بخشنده ای، عفو و بخشش را دوست داری؛ پس مرا مورد عفو و بخشش قرار بده».

در شب های قدر، می توان هر دعایی را کرد. اما بهتر است دعاهایی را که در قرآن کریم ذکر شدند تلاوت نمود همچون:

«رَبَّنَا لَا تُؤَاخِذْنَا إِنْ نَسِينَا أَوْ أَخْطَأْنَا رَبَّنَا وَلَا تَحْمِلْ عَلَيْنَا إصْرًا كَمَا حَمَلْتَهُ عَلَى الَّذِينَ مِنْ قَبْلِنَا رَبَّنَا وَلَا تُحَمِّلْنَا مَا لِطَافَةِ لَنَا بِهِ وَاعْفُ عَنَّا وَاعْفِرْنَا وَارْحَمْنَا أَنْتَ مَوْلَانَا فَانصُرْنَا عَلَى الْقَوْمِ الْكَافِرِينَ»

و یا «رَبَّنَا لَا تَزِغْ قُلُوبَنَا بَعْدَ إِذْ هَدَيْتَنَا وَهَبْ لَنَا مِنْ لَدُنْكَ رَحْمَةً إِنَّكَ أَنْتَ الْوَهَّابُ»
و یا «رَبَّنَا ظَلَمْنَا أَنْفُسَنَا وَإِنْ لَمْ تَغْفِرْ لَنَا وَتَرْحَمْنَا لَنَكُونَنَّ مِنَ الْخَاسِرِينَ»
و یا «رَبَّنَا هَبْ لَنَا مِنْ أَزْوَاجِنَا وَذُرِّيَّاتِنَا قُرَّةَ أَعْيُنٍ وَاجْعَلْنَا لِلْمُتَّقِينَ إِمَامًا»
و یا «رَبَّنَا اغْفِرْ لَنَا وَلِإِخْوَانِنَا الَّذِينَ سَبَقُونَا بِالْإِيمَانِ وَلَا تَجْعَلْ فِي قُلُوبِنَا غِلًّا لِلَّذِينَ آمَنُوا رَبَّنَا إِنَّكَ رَؤُوفٌ رَحِيمٌ»

و یا «رَبَّنَا تَقَبَّلْ مِنَّا إِنَّكَ أَنْتَ السَّمِيعُ الْعَلِيمُ»
و یا «رَبَّنَا اغْفِرْ لِي وَلِوَالِدِي وَلِلْمُؤْمِنِينَ يَوْمَ يَقُومُ الْحِسَابُ».

و یا دعاهایی که در احادیث پیامبر اکرم ذکر شده اند همچون: «اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ مِنَ الْخَيْرِ كُلِّهِ مَا عَلِمْتَ مِنْهُ وَمَا لَمْ يَعْلَمْ وَأَعُوذُ بِكَ مِنَ الشَّرِّ كُلِّهِ مَا عَلِمْتَ مِنْهُ وَمَا لَمْ يَعْلَمْ»
و یا «اللَّهُمَّ أَحْسِنْ عَاقِبَتَنَا فِي الْأُمُورِ كُلِّهَا وَاجْرُنَا مِنْ خِزْيِ الدُّنْيَا وَعَذَابِ الْآخِرَةِ» و یا «اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ الْهُدَى وَالتَّقَى وَالعِفَافَ وَالعِنْيَ»
و یا «اللَّهُمَّ اغْنِنِي بِالْعِلْمِ وَرِزْقِي بِالْحِلْمِ وَأَكْرِمْنِي بِالتَّقْوَى وَجَمِّلْنِي بِالعَافِيَةِ»
و یا «اللَّهُمَّ مُقَلِّبِ الْقُلُوبِ ثَبِّتْ قَلْبِي عَلَى دِينِكَ» و یا «اللَّهُمَّ جَنِّبْنِي مُنْكَرَاتِ الْأَخْلَاقِ وَ الْأَهْوَاءِ»

و یا «اللَّهُمَّ اجْعَلْ حُبَّكَ أَحَبَّ الْأَشْيَاءِ إِلَيَّ وَ اجْعَلْ خَشْيَتَكَ أَخْوَفَ الْأَشْيَاءِ عِنْدِي وَ اقْطَعْ عَنِّي حَاجَاتِ الدُّنْيَا بِالشُّوقِ إِلَى لِقَائِكَ وَ إِذَا أَقْرَبْتَ أَعْيُنَ أَهْلِ الدُّنْيَا مِنْ دُنْيَاهُمْ فَاقْرِرْ عَيْنِي مِنْ عِبَادَتِكَ».

ملائکه در شب قدر برای چه و بر چه کسانی فرود می آیند:

از خصوصیات بارز دیگر این شب نزول ملائک و فرشتگان است. بر اساس آیه شریفه «تَنْزِلُ الْمَلَائِكَةُ وَ الرُّوحُ فِيهَا بِإِذْنِ رَبِّهِمْ مِنْ كُلِّ أَمْرٍ» (فرشتگان و روح در آن شب به اذن پروردگار شان برای تقدیر هر کار نازل می شوند.)
در مورد اینکه منظور از روح کیست؟ بعضی گفته اند: «جبرئیل امین» است که «روح الامین» نیز نامیده می شود. بعضی «روح» را به معنی «وحي» تفسیر کرده اند. به

سوره القدر

فحوای آیه 52 سوره شوری «و كذلك اوحینا الیک روحا من امرنا» «همان گونه که بر پیامبران پیش وحی فرستادیم، بر تو نیز «وحی» را به فرمان خود وحی کردیم». برخی از مفسرین روح را مخلوق عظیمی مافوق فرشتگان می‌شمارند. قابل تذکر است که: فرشتگان بر شخص خاصی فرود نمی‌آیند، بلکه در شب قدر ملائکه به زمین فرود می‌آیند تا سلام و دعای رحمت و مغفرت بر کسانی که این شب را احیاء می‌کنند بفرستند، و بر دعای دعا گویان آمین می‌فرستند.

نزول فرشتگان نزول رحمت و برکت الهی است، پروردگار با عظمت ما میفرماید: «تَنْزَلُ الْمَلَائِكَةُ وَالرُّوحُ فِيهَا بِإِذْنِ رَبِّهِمْ مِنْ كُلِّ أَمْرٍ». «در آن فرشتگان با روح به اذن پروردگارشان فرود می‌آیند» از آسمانها به سوی زمین «برای هر امری» یعنی: فرود می‌آیند برای پرداختن و نظم و نسق هر امری که خداوند آن را تا سال آینده مقدر و به آن حکم کرده است.

طوریکه یاد اور شدیم روح: جبرئیل علیه السلام است و هر چند کلمه «فرشتگان» شامل او نیز می‌شود ولی از او به سبب فزونی شرفش مخصوصاً نیز یادآوری شد پس این از باب عطف خاص بر عام است.

از فواید فرود آمدن فرشتگان این است که ایشان در زمین انواع طاعاتی را می‌بینند که در میان اهالی آسمانها ندیده بودند همچنین آنها در زمین فریاد ناله و زاری گنهکارانی را می‌شنوند که ناله و زاری آنها نزد خداوند دوست‌داشته‌تر از زمزمه تسبیح مسبحان است پس در این حال به یکدیگر می‌گویند: بیایید صدایی را بشنویم که نزد پروردگار ما دوست‌داشته‌تر از تسبیح ما می‌باشد».

اعمالی که در شب قدر باید انجام یابد:

اکثریت مطلق مفسرین، محدثین و علماء بر این امر معتقد اند که: سنت است که روزه داران بر امر اعتکاف در ده آخر ماه رمضان بمنظور برخورداری از خیر و پاداش و دریافتن شب قدر انجام گیرد است.

و مستحب است که شخص معتکف به عباداتی مانند نماز، تلاوت قرآن و سبحان الله والحمد لله و لا اله الا الله و الله اکبر گفتن و طلب مغفرت، صلوات بر پیامبر صلی الله علیه وسلم، دعا کردن، بحث و گفتگوی علمی و مانند اینها مشغول سازد.

و مکروه است که اعتکاف کننده خودش را با سخنان و اعمال بیهوده سرگرم کند همانطور که ساکت ماندنش به گمان اینکه سکوت، او را به خدا نزدیک می‌کند مکروه است».

نزول همه کتب آسمانی در رمضان:

در حدیثی را که حضرت ابوذر غفاری روایت نموده است که می‌فرماید که رسول الله صلی الله علیه وسلم فرمود: صحیفه های حضرت ابراهیم به تاریخ سوم رمضان، تورات در تاریخ ششم، انجیل در تاریخ سیزدهم و زبور در تاریخ هجدهم رمضان نازل گردیده است، و قرآن کریم به تاریخ بیست و چهارم رمضان بر رسول الله صلی الله علیه وسلم نازل شده است.

سوره القدر

نزول فرشتگان برای اشخاص معین است:

نزول فرشتگان در شب قدر برای شخص معین و خاصی صورت نمی گیرد، بلکه در شب قدر ملائکه به زمین فرود می آیند تا سلام و دعای رحمت و مغفرت بر کسانی که این شب را احیاء می کنند بفرستند، و بر دعای دعا گویان آمین می فرستند.

نزول فرشتگان نزول رحمت و برکت الهی است، همانطوریکه فرشتگان در موقع تلاوت قرآن و حلقه های علم نازل می شوند و بالهایشان را برای طالب علم می گسترانند. «تَنْزِيلُ الْمَلَائِكَةِ وَالرُّوحِ فِيهَا بِإِذْنِ رَبِّهِمْ مِنْ كُلِّ أَمْرٍ». «در آن فرشتگان با روح به اذن پروردگارشان فرود می آیند» از آسمانها به سوی زمین «برای هر امری» یعنی: فرود می آیند برای پرداختن نظم و نسق هر امری که خداوند آن را تا سال آینده مقدر و به آن حکم کرده است.

کدام انسان ها از فرشته ها برتر هستند؟

البته در این شکی نیست که پیامبر اسلام محمد مصطفی صلی الله علیه وسلم افضل مخلوقات و باشرفترین آنهاست، و فضیلت او از تمامی انسانها و فرشتگان و اجنه بالاتر است، و شک و تردیدی در این امر مسلم وجود ندارد.

اما در مورد غیر پیامبر اسلام صلی الله علیه وسلم و ملائکه نظراتی وجود دارد:

نظریه اول:

نظریه اول اینست که انسانها از ملائکه افضلتر هستند.

علما که بر افضل بودن انسان نسبت به ملائکه حکم میکنند، استدلال می آورند که خداوند متعال به ملائکه امر نمود که بر آدم سجده ببرند و لذا گفته اند که این دلیل بر تفضیل انسان بر ملائکه است؛ آنجا که فرمود: «وَإِذْ قُلْنَا لِلْمَلَائِكَةِ اسْجُدُوا لِآدَمَ فَسَجَدُوا» (سوره بقره 34). یعنی: و (یاد کن) هنگامی را که به فرشتگان گفتیم: «برای آدم سجده کنید!» همگی سجده کردند.

نظریه دوم:

نظریه دوم اینست که: ملائکه نسبت به انسانها افضلتر هستند. این تعداد از علما استدلال به حدیثی پیامبر صلی الله علیه وسلم می نمایند که فرموده است:

«يَقُولُ اللَّهُ تَعَالَى: أَنَا عِنْدَ ظَنِّ عَبْدِي بِي، وَأَنَا مَعَهُ إِذَا ذَكَرَنِي، فَإِنْ ذَكَرَنِي فِي نَفْسِهِ ذَكَرْتُهُ فِي نَفْسِي، وَإِنْ ذَكَرَنِي فِي مَلَأٍ ذَكَرْتُهُ فِي مَلَأٍ خَيْرٍ مِنْهُمْ، ...» (بخاری: 7405)

یعنی: «خداوند متعال می فرماید: من با بنده ام بر اساس گمانی که به من دارد، رفتار می نمایم. و هنگامی که مرا یاد می کند، من با او هستم. پس اگر در تنهایی مرا یاد کند، من هم او را در تنهایی، یاد خواهم کرد. و اگر مرا در میان جمع، یاد کند، من او را در میان جمع بهتری (یعنی ملائکه)، یاد خواهم کرد...».

و منظور از یاد کردن ذاکرین در میان جمع بهتری، یعنی جمع ملائکه! و این را می رساند که ملائکه از انسانها برترند.

سوره القدر

نظریه سوم :

نظریه سوم اینست که: ملائکه به اعتبار اینکه زودتر از انسانها خلق شده و از نور خلق شده اند و اهل استکبار و سرپیچی نیستند، و در آنچه خدا بدانها امر می کند سرپیچی نمی کنند، و آنچه که بدانها امر شود انجام می دهند و اهل شهوت نیستند و بندگانی مکرم نزد الله تعالی می باشند، لذا از این جهت آنها افضلتر هستند.

ولی انسانها به اعتبار آنکه محل رضای خدا قرار می گیرند و مورد کرامت پروردگار هستند و ملائکه در بهشت آنها را مسرور می کنند، و بر آنها سلام می دهند، از این جهت انسانها از ملائکه افضلتر هستند. (و این نظر شیخ الاسلام ابن تیمیه است).

نظریه چهارم :

نظریه چهارم نظریه سکوت! است یعنی هیچیک را بر دیگری نه تفضیل می دهند و نه عکس آن، (و این قول شیخ ابن عثیمین است).

زیرا پرداختن به این مسئله (یعنی بیان افضلتر بودن ملائکه یا انسانها) نه مفید است و نه نیازی بدان می رود، و نفعی برای شخص مسلمان ندارد، پس بهتر است از پرداختن به این موضوعات خودداری نمود، زیرا صحابه رسول خدا صلی الله علیه وسلم که از هر کسی نسبت به علم و ایمان حریصتر بودند هرگز وارد این مباحث نشده و از خود و یکدیگر نپرسیده اند که آیا ملائکه افضلتر است یا انسانها؟! و چیزی که صحابه در مورد آن سکوت کرده اند، بهتر است ما نیز سکوت کنیم چرا که یک قاعده شرعی وجود دارد که باید بدان توجه کرد و آن اینست که: «در هر چیزی از مسائل دین که صحابه در آن مورد سکوت کرده اند، بدان که پرداختن به آن چیز جزو فضولی محسوب شده و نیازی به آن نیست». زیرا آنچه که برای ما لازم است باید از طریق کلام الله و سنت نبوی و یا صحابه اخذ شوند، و هرگاه در یک مسئله دینی آنرا در یکی از این سه طریق نیافتیم، پس باید دانست که آن چیز جزو دین نیست و لذا پرداختن به آن بی مورد است. (نگاه کنید به: شرح العقیده السفارینیة؛ علامه ابن عثیمین، صفحه 605).

و بنظر می رسد که حکم بر تفضیل انسان و ملائکه امری غیر ضروری است، یعنی دانستن به این مسئله نیازی نیست و بهتر است از پرداختن به آن خودداری کنیم و بگوییم: خدا آگاهتر است والسلام!

آیا واقعاً شیطان معلم ملائکه بود:

در مورد اینکه آیا واقعاً ابلیس معلم ملائکه و فرشتگان بوده باشد، هیچ دلیلی از کتاب و سنت صحیح مبنی بر این امر در شرع وجود ندارد، از اینرو نمی توان بدون دلیل این ادعا را مطرح کرد و هرکس چنین می گوید یا باید دلیل از کتاب و سنت بیاورد و یا آنکه بدون علم سخن نگوید چرا که خداوند متعال می فرماید: «وَلَا تَقْفُ مَا لَيْسَ لَكَ بِهِ عِلْمٌ إِنَّ السَّمْعَ وَالْبَصَرَ وَالْفُؤَادَ كُلُّ أُولَئِكَ كَانَ عَنْهُ مَسْئُولاً» (سوره اسراء 36) یعنی: «و چیزی را که بدان علم نداری دنبال نکن» به این ترتیب، خدای متعال نهی می کند از این که انسان چیزی بگوید یا به چیزی عمل کند که به آن علم ندارد. همچنین این معنی، شامل گواهی دروغ، سخن دروغ، افترا و طعن زدن به دیگران، جست و جوی عیوب مردم، دگرگون کردن

سوره القدر

حقایق علمی، جعل اخبار و غیر این از دغلبازی‌ها، تقلب‌ها و اعمال مبتنی بر حدس و تخمین و گمان نیز می‌شود. «زیرا گوش و چشم و قلب، همه مورد پرسش واقع خواهند شد» یعنی: از صاحب آنها پرسیده می‌شود که این حواس خود را در چه راهی به‌کار گرفته است زیرا حواس انسان آلات و ابزاری اند که اگر او آنها را در خیر به‌کار گیرد، سزاوار دریافت پاداش است و اگر آنها را در شر به‌کار گیرد، سزاوار عقاب می‌باشد. به‌قولی: خداوند عزوجل این اعضا را در هنگام پرسش از آنها به نطق می‌آورد و آنها از آنچه که صاحبشان انجام داده است خبر می‌دهند. چنان‌که آیات و احادیث گواه این حقیقت است. آنچه که بعضی از علما فرموده اند اینست که ابلیس جزو مقربان درگاه الهی بوده است، یعنی هر چند که او خود ملائکه نبود و از جنس جن بود ولی در میان ملائک مقرب قرار داشت.

الله تعالی در قرآن چنین می‌فرماید: «إِذْ قَالَ رَبُّكَ لِلْمَلَائِكَةِ إِنِّي خَالِقٌ بَشَرًا مِّن طِينٍ * فَإِذَا سَوَّيْتُهُ وَنَفَخْتُ فِيهِ مِن رُّوحِي فَقَعُوا لَهُ سَاجِدِينَ * فَسَجَدَ الْمَلَائِكَةُ كُلُّهُمْ أَجْمَعُونَ * إِلَّا إِبْلِيسَ اسْتَكْبَرَ وَكَانَ مِنَ الْكَافِرِينَ * قَالَ يَا إِبْلِيسُ مَا مَنَعَكَ أَنْ تَسْجُدَ لِمَا خَلَقْتُ بِإِيْدِي * أَسْتَكْبَرْتَ * أَمْ كُنْتَ مِنَ الْعَالِينَ * قَالَ أَنَا خَيْرٌ مِّنْهُ خَلَقْتَنِي مِن نَّارٍ وَخَلَقْتَهُ مِن طِينٍ * قَالَ فَأَخْرِجْ مِنْهَا فَإِنَّكَ رَاجِعٌ * (سوره ص 71-77) یعنی: و به خاطر بیاور هنگامی را که پروردگارت به فرشتگان گفت: «من بشری را از گل می‌آفرینم! هنگامی که آن را نظام بخشیدم و از روح خود در آن دمیدم، برای او به سجده افتید!»

در آن هنگام همه فرشتگان سجده کردند، جز ابلیس که تکبر ورزید و از کافران بود! گفت: «ای ابلیس! چه چیز مانع تو شد که بر مخلوقی که با قدرت خود او را آفریدم سجده کنی؟! آیا تکبر کردی یا از برترینها بودی؟! (برتر از اینکه فرمان سجود به تو داده شود!)» گفت: «من از او بهترم؛ مرا از آتش آفریده‌ای و او را از گل!» فرمود: «از آسمانها (و صفوف ملائکه) خارج شو، که تو رانده درگاه منی!

بنابراین بر اساس قولی، ابلیس از میان ملائک مقرب رانده شد و بعدها نیز از بهشت خارج گردید. چنانکه علامه سعدی در تفسیر خود نوشته: «قَالَ فَأَخْرِجْ مِنْهَا» خداوند به ابلیس گفت: از آسمان و جایگاه ارزشمند بیرون برو، «فَأَنَّكَ رَاجِعٌ» چرا که تو مطرود و رانده شده از رحمت الهی هستی.

و می‌فرماید: «وَإِذْ قُلْنَا لِلْمَلَائِكَةِ اسْجُدُوا لِآدَمَ فَسَجَدُوا إِلَّا إِبْلِيسَ كَانَ مِنَ الْجِنِّ» (سوره کهف 50) یعنی: به یاد آرید زمانی را که به فرشتگان گفتیم: «برای آدم سجده کنید» آنها همگی سجده کردند جز ابلیس که از جن بود.

و از این آیه می‌توان به این مطلب پی برد که ابلیس در میان ملائک بوده است ولی هیچیک از نصوص قرآنی به این امر اشاره نکرده اند که ابلیس معلم ملائک بوده باشد. بنابراین ما نیز این ادعای باطل را مردود می‌دانیم و به همه ی مسلمانان تابع کتاب و سنت می‌گوییم که از باورها و اعتقادات بدون دلیل دوری و حذر نمایید.

تفاوت بین ملائکه و جن :

در بین ملائکه و جن تفاوت‌های مختلفی و متعددی است از جمله :

سوره القدر

1- در اصل خلقتشان که جنیات از آتش سوزان و فرشتگان از نور آفریده شدند.
2- فرشتگان بنده گانی مطیع، فرمانبردار، مقرب و مورد احترام خداوند می‌باشند، چنانچه خداوند می‌فرماید: «بَلْ عِبَادٌ مُّكْرَمُونَ * لَا يَسْبِقُونَهُ بِالْقَوْلِ وَهُمْ بِأَمْرِهِ يَعْمَلُونَ» (الأنبياء: 26 - 27). «فرشتگان بندگان محترمی هستند، آنها در سخن گفتن بر خدا پیشی نمی‌گیرند، و تنها به فرمان او کار می‌کنند».

و نیز می‌فرماید: «لَا يَعْصُونَ اللَّهَ مَا أَمَرَهُمْ وَيَفْعَلُونَ مَا يُؤْمَرُونَ» (سوره التحريم: 6). «از خدا در آنچه به آنها دستور دهد نافرمانی نمی‌کنند، و همان چیزی را انجام می‌دهند که بدان مأمور شده اند».

اما جنیات، بعضی از آنها مؤمن و بعضی کافر می‌باشند، چنانچه خداوند تبارک و تعالی از آنها در قرآن خبر داده، می‌فرماید: «وَأَنَا مِنَ الْمُسْلِمِينَ وَمِنَّا الْقَاسِطُونَ» (سوره الجن: 14). «در بین ما، فرمانبرداران و منحرفان و بیدادگرانند».

بعضی از آنها مطیع و فرمانبردار و بعضی نیز گنهگار هستند، و خداوند در این باره می‌فرماید: «وَأَنَا مِنَ الصَّالِحِينَ وَمِنَّا دُونَ ذَلِكَ» (سوره الجن: 11). «و بعضی از ما تسلیم فرمان خدا و پرهیزگارند، و بعضی از ما جز این، (یعنی نافرمان و بی‌دین)». و بسیاری دیگر از آیات قرآن که در این باره وارد شده است.

اسمای فرشته که مسؤل حمل عرش الهی اند:

ملائکه هایی هستند که حامل عرش می‌باشند: «الَّذِينَ يَحْمِلُونَ الْعَرْشَ وَمَنْ حَوْلَهُ يُسَبِّحُونَ بِحَمْدِ رَبِّهِمْ وَيُؤْمِنُونَ بِهِ وَيَسْتَغْفِرُونَ لِلَّذِينَ آمَنُوا» (سوره غافر 7) «کسانی که عرش با عظمت الهی را حمل می‌کنند، و آنهایی که پیرامون عرش به تسبیح و ستایش پروردگارشان مشغولند، هم خود به خدا ایمان دارند و هم برای اهل ایمان از خدا آمرزش و مغفرت می‌طلبند» و می‌فرماید: «وَيَحْمِلُ عَرْشَ رَبِّكَ فَوْقَهُمْ يَوْمَئِذٍ ثَمَانِيَةٌ» (سوره حاقه 17) «عرش پروردگارت را در آن روز (یعنی قیامت) هشت ملائکه حمل میکنند». تعدادی از علما می‌گویند:

کسانی که اطراف عرش هستند ملائکه های مقرب هستند و ایشان با آنکه حامل عرش هستند اشرفترین ملائکه می‌باشند. (تفسیر ابن کثیر (7 / 120) .
اما اسم آن ملائکه در کتاب و سنت وارد نشده است و بیشتر بنام ملائکه ی «حمل کننده گان عرش» مشهورند و لذا ما نیز به همین اصطلاح اکتفا می‌کنیم؛ بصورت کل گفته می‌توانیم که ملائکه جزو موجودات غیبی هستند که الله عزوجل آن‌ها را خلق کرده و خداوند آن‌ها را فرمانبردار و خاضع قرار داده است و هر یک از آن‌ها وظایفی دارند که خداوند آن‌ها را مخصوص انجام آن وظایف کرده است.

اما نام برخی از ملائکه در کتاب و سنت آمده اند که از جمله:

جبریل : مسؤل وحی ، اسرافیل، مسؤل نفخ صور و یکی از حمل کنندگان عرش، میکائیل مسؤل باران و نباتات، مالک، هاروت و ماروت، رضوان، منکر و نکیر، و کسانی دیگر که در اسامی آنها در نصوص بیان شده است.
و همچنین آنچه نصوص از آن با وصف خبر داده است: مانند رقیب و عتید (مراقب و

سوره القدر

نگهبان)، یا به وسیله وظیفه آنها مانند ملک الموت (ملائکه مرگ) و ملک الجبال (ملائکه کوهها) یا آنچه را که نصوص به ذکر وظایفشان بصورت مجمل می پردازد مانند: حمله العرش (حمل کنندگان عرش) و الکرام الکاتبین (نویسندگان بزرگوار) و الموکلین بحفظ الخلق (مسئول حفظ خلق)، الموکلین بحفظ الاجنة و الارحام (مسئول حفظ نطفه در داخل رحم)، طواف البيت المعمور (ملائکه مسئول طواف بیت المعمور)، ملائكة السياحين (ملائکه هایی که در زمین می گردند) و ملائکه های دیگری که الله و رسولش صلی الله علیه وسلم از آن خبر داده اند. واجب است که به صورت مفصل به تمام آنهايي که ذکرشان با نام و صفت و وظایف در اخبار آمده ایمان داشته باشیم و تصدیق کنیم.

آیا ملائکه جسم هستند؟

به اساس این فرموده پروردگار با عظمت گفته می توانیم که بلی که ملائکه جسم هستند « جَاعِلِ الْمَلَائِكَةِ رُسُلًا أُولَىٰ أَجْنَحَةٍ » «ملائکه را پیام رسان فرستادگان به سوی انبیاء گردانیده است ملائکه هایی که دارای بالهای دوگانه هستند» و پیامبر صلی الله علیه وسلم جبریل را بر صورت اصلی خود که بر آن خلق شده و دارای ششصد بال می باشد دیده است. همان گونه که صفت و خبر آن در حدیثی بخاری شریف آمده است.

هر انسان دارای دو فرشته است:

بر هر يك از انسانها دو فرشته مأموریت دارد، یکی بر سمت راست حسنات و نیکی های او را مینویسد، و دیگری در سمت چپ او بدیها را مینویسد، چنانکه پروردگار با عظمت ما می فرماید: « إِذْ يَتَلَقَى الْمُتَلَقِيَانِ عَنِ الْيَمِينِ وَعَنِ الشَّمَالِ قَعِيدٌ مَا يَلْفُظُ مِنْ قَوْلٍ إِلَّا لَدَيْهِ رَقِيبٌ عَتِيدٌ. » (سوره ق 17 - 18). (دو فرشته گفتار و کردار شخص را دریافت می دارند و آنرا ثبت می کنند، یکی از دست راست و دیگری از دست چپ نشسته و همنشین او هستند، هر کلمه که بر زبان براند (از خیر و شر) آنرا مینویسند و مراقب و حاضر حال او اند). این فرشتگان در سفر و در اقامت با انسان هستند، و در تمامی احوال، در نماز در سجود با او هستند و او را ترك نمیکنند مگر در بعضی از حالات خاصی مانند قضای حاجت، و آنان گفتار و کردار او را می بنویسند.

فرشتگان نیت و قصد انسانها را می نویسند:

در حدیث صحیح وارد شده، است که فرشتگان حتی نیت و قصد، انسان و آنچه در قلب بنی آدم بگذرد، ویا آنچه، او در قلب میگوید، و آنچه نیت میکند که آنرا انجام دهد فرشته آنرا مینویسد.

به همین خاطر انسان اگر نیت نیک نماید ثوابش به او میرسد، و بر نیت بد نیز مجازات میشود، زیرا نیت عمل قلبی است.

فرشتگان مأمورند بر انسان از وقتی که به سن بلوغ برسد تا اینکه از دنیا برود و آنان آنچه در دنیا از نیت و کردار و گفتار انجام داده می نویسند.

صدق الله العظيم و صدق رسوله نبی الکریم

سوره القدر

فهرست :

ترجمه
معلومات مؤجز
فضیلت سوره قدر
فضیلت شب قدر
پیام های این سوره
تفسیر سوره قدر
شان نزول
شب قدر و نزول قرآن
الف: نزول قرآن
معنای قدر
تعیین شب قدر
سعی و تلاش برای دستیابی شب قدر
چرا شب قدر مشخص نشده است؟
تکرار شب قدر در هر سال
عبادت شب قدر بهتر از هزار ماه است
فضیلت و برتری شب قدر
علامات و نشانه های بارزه این شب
دعا های قرآنی در شب قدر
ملائکه در شب قدر برای چه و بر چه کسانی فرودمی آید
اعمالی که در شب قدر باید انجام یابد
نزول همه کتب آسمانی در رمضان
نزول فرشتگان برای اشخاص معین است
کدام انسان ها از فرشته ها برتر هستند؟
آیا واقعاً شیطان معلم ملائکه بود
تفاوت بین ملائکه و جن
اسمای فرشته که مسول حمل عرش الهی اند
آیا ملائکه جسم هستند؟
هر انسان دارایی دو فرشته است
فرشتگان نیت و قصد انسانها را می نویسند

منابع و مأخذ های عمده:

- تفسیر و بیان کلمات قرآن کریم (تالیف شیخ حسنین محمد مخلوف و اسباب نزول علامه جلال الدین سیوطی ترجمه از عبد الکریم ارشد فاریابی
- تفسیر انوار القرآن - نوشته: عبدالرؤف مخلص هروی
- فیض الباری شرح صحیح البخاری داکتر عبد الرحیم فیروز هروی

سوره القدر

- تفسیر طبری - امام المفسرین
- تفسیر المیزان
- تفسیر پرتوی از قرآن
- تفسیر القرآن الکریم - ابن کثیر (متوفی سال 774 هـ)
- مفردات الفاظ القرآن، از راغب اصفانی
- جلوه های از اسرار قرآن حکمتیار
- تفسیر معارف القرآن مولف حضرت علامه مفتی محمد شفیع عثمانی دیوبندی مترجم مولانا محمد یوسف حسین پور
- تفسیر فی ظلال القرآن، سید قطب (متوفی سال 1387 هـ)
- تفسیر نور تألیف دکتر مصطفی خزّم دل
- تفسیر کابلی (تالیف: شیخ محمود الحسن دیوبندی مترجم: هیاتی از علمای افغانستان)
- صحیح مسلم
- صحیح البخاری

**Get more e-books from www.ketabton.com
Ketabton.com: The Digital Library**